



مروری بر مقاله های مرتبط: مقایسه توانایی نظریه ذهن بین کودکان ناشنوا و شنوای 9 تا 11 سال

علوم تربیتی :: تعلیم و تربیت استثنائی :: سال سیزدهم، شماره 7 - پیاپی 120 (علمی-ترویجی)
از 71 تا 73

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/994559>

دانلود شده توسط : عمومی user2314
تاریخ دانلود : 13/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مروری بر مقاله‌های مرتبط

خوانندگان گرامی

شاید افراد اندکی مطلع باشند که در حال حاضر بیش از ۴۰ نشریه‌ی داخلی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مطالبی را در خصوص کودکان استثنایی به چاپ می‌رسانند. مایه خوشحالی است که تعداد نشریات متعددی در قالب مقاله‌هایی با موضوعات مختلف پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری، توان‌بخشی و آموزشی، به موضوع کودکان با نیازهای ویژه پرداخته و میل به اطلاع از آنها را در علاقمندان به این حوزه‌ی علمی بیش از گذشته افزایش داده‌اند، با این حال باید پذیرفت که علی‌رغم اشتیاق فراوان علاقمندان به اطلاع از مطالب مندرج در این نشریات، عوامل متعددی سبب می‌شود که علاقمندان نتوانند به نحو مقتضی به اصل مقاله‌ها دست یابند.

نشریه‌ی تعلیم و تربیت استثنایی به منظور پاسخگویی به این نیاز خوانندگان، در هر شماره، صفحه‌ای را به درج خلاصه‌ی مقاله‌های مفید سایر نشریه‌های علمی اختصاص می‌دهد تا به سهم خود گام کوچکی در این راستا برداشته باشد. امید است خوانندگان گرامی ما را از نظریات خود در این خصوص بهره‌مند سازند و با ارایه‌ی پیشنهادهای مفید خود، ما را در دستیابی به اهداف جدیدمان یاری رسانند.

مقایسه توانایی نظریه ذهن بین کودکان ناشنوا و شنوای ۹ تا ۱۱ سال

مژگان عارفی / مهنوش قائنی حصارویه / فاطمه ابراهیم پور

طی دو دهه گذشته نظریه ذهن کودکان، از رایج‌ترین نظریه‌های رشد شناختی - اجتماعی بوده که مورد توجه خاص روان‌شناسان شناختی، فیلسوفان و متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. اندیشمندان این حوزه‌ها علاوه بر تلاش برای تعریف نظریه ذهن، موضوعات مرتبط با آن را نیز مورد پژوهش قرار داده‌اند. همچنین موضوعات مهمی همچون چگونگی و زمان دستیابی به نظریه ذهن در طی دوران رشد و عوامل موثر بر آن مورد توجه گسترده پژوهشگران در روان‌شناسی تحولی قرار گرفته است.

در ارتباط با زبان و نظریه ذهن توانایی‌های محاوره و فرایندهای ارتباط نیر مورد توجه قرار گرفته‌اند و در رابطه با نقش زبان، صرف داشتن دانش از ساختارهای نحوی برای درک و فهم تکالیف باور کاذب کافی نیست. چراکه بسیاری از مکالمات با توجه به زمینه‌ای که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند، قابل فهم هستند. از این رو ارتباط بین توانایی مکالمه‌ای کودکان و عملکرد آنها در تکالیف باور کاذب نیز مورد پژوهش قرار گرفته است (امین یزدی، ۱۳۸۳). بر همین اساس امین یزدی (۱۳۸۳) در پژوهشی بر روی کودکان ایرانی، پرسش‌آزمون باور کاذب

یعنی «مریم برای یافتن شیء کجا را جست و جو می‌کند؟» را به «مریم برای یافتن شیء ابتدا کجا را جستجو می‌کند» تغییر داد. در این پژوهش باور بر این بوده که در نتیجه چنین تغییری در پرسش‌آزمون باور کاذب، خردسالان با احتمال بیشتری هدف و ربط پرسش‌های فرد آزمون‌کننده را درک خواهند کرد. نتایج مطالعه امین یزدی (۱۳۸۳) همسو با نتایج مطالعه سیگل و بی‌تی (۱۹۹۱) بر روی کودکان غربی نشان داد که عملکرد کودکان سه ساله در تکلیف جدید از باور کاذب به طور معناداری افزایش یافت. این یافته‌ها ممکن است تا حدودی در راستای تأیید ارتباط نظریه ذهن با رشد آگاهی مکالمه‌ای در کودکان در نظر گرفته شود (امین یزدی، ۱۳۸۳). بنابراین گفتار و زبان می‌توانند نقش موثری در تحول و رشد نظریه ذهن داشته باشد. بر همین اساس به دنبال برخی از گمانه‌زنی‌ها در زمینه تأخیر نظریه ذهن در کودکان ناشنوا، اغلب پژوهشگران در تأیید این پیش‌بینی‌ها، عملکرد همراه با تأخیر کودکان ناشنوا را در رسیدن به نظریه ذهن نشان داده‌اند (حسن‌زاده، ۲۰۰۵). دلیل این امر به احتمال زیاد این است که تعاملات فعال اجتماعی بر روی رشد نظریه ذهن اثر مثبت دارد و کودکان ناشنوا به دلیل محدودیت در

خوشه‌ای ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان در این گروه سنی از مدارس شهرستان تربت جام برگزیده شدند و سپس از میان این تعداد، ۳۰ نفر از کودکان گروه شنوا که از نظر سطح تحصیلات والدین و تعداد خواهران و برادران با گروه کودکان ناشنوا هم‌تا بودند، انتخاب شدند.

پرسشنامه نظریه ذهن: برای سنجش نظریه ذهن از ۱۲ داستان آزمون پیشرفته نظریه ذهن هپی (۱۹۹۴) که در نسخه اصلی شامل ۲۴ داستان کوتاه تحت عنوان «داستان‌های عجیب» است، ولی ۱۲ داستان آن با توجه به نظر متخصصان روان‌شناسی با فرهنگ ایرانی بیشتر تناسب دارد، استفاده شد (عارفی، ۱۳۸۶). هر داستان شامل ۲ پرسش یکی مربوط به درک مطلب و دیگری مربوط به چگونگی اسناد حالات ذهنی به شخصیت داستان است. به عنوان مثال یکی از داستان‌ها به این شرح است: «مریم و مهناز با هم بازی می‌کنند. مهناز از ظرف میوه یک موز بر می‌دارد و آن را کنار گوشش می‌گیرد و به مریم می‌گوید؛ بین این موزیک تلفن است.» در پرسش اول مطرح می‌شود، آیا آنچه که مهناز گفت صحیح است؟ و در پرسش دوم مطرح می‌شود که چرا مهناز چنین چیزی گفت؟ در داستان دیگری در این مورد آمده است: «ژاله و سیمین به خانه خانم احمدی رفتند. خانم احمدی تازه از آرایشگاه برگشته بود. او کمی خنده‌دار شده بود، چون آرایشگر موهای او را خیلی کوتاه کرده بود. ژاله به سیمین گفت موهای او باید با ماشین چمن زنی کوتاه شده باشد.» در پرسش اول مطرح می‌شود؛ آیا آنچه که ژاله گفت صحیح است و در پرسش دوم مطرح می‌شود که «چرا ژاله چنین حرفی زد؟ نمره نهایی این مقیاس حاصل جمع امتیازات پاسخگو در هر یک از داستان‌های کوتاه مربوط به این مقیاس در نظر گرفته می‌شود. عارفی (۱۳۸۶) روایی این مقیاس را در ایران برای کودکان ایرانی ۹ تا ۱۲ سال مطلوب گزارش کرده است. همچنین به منظور اطمینان از روایی این ابزار امتیازات دانش‌آموزان مقاطع مختلف (پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی و اول راهنمایی) در نظریه ذهن مورد مقایسه قرار گرفته و مشخص گردید بین پایه اول راهنمایی با پایه پنجم ($p < 0/01$) و چهارم ($p < 0/01$) تفاوت معناداری وجود

سلیسی و روانی زبان از تعاملات فعال اجتماعی تا حدودی باز می‌ماند که این مسأله باعث تأخیر در ابعاد مختلف حالات روانی و ذهنی کودکان ناشنوا می‌گردد.

اولین بار پترسون و سیگل (۲۰۰۲) در پژوهشی در ارتباط با کودکان ناشنوا گزارش کردند که در یک گروه از کودکان استرالیایی ۸ تا ۱۳ ساله، بیشتر آنها نتوانستند تکالیف نظریه ذهن را که کودکان شنوا در ۴ تا ۵ سالگی به درستی پاسخ می‌دادند، صحیح اجرا کنند. در بررسی دیگری که شیک، دیویلر، دیویلر و هافمن (۲۰۰۷) بر روی ۲۲ کودک ناشنوی آمریکایی با میانگین هفت سال و شش ماه انجام دادند، نشان داده شده که فقط ۵۴ درصد از کودکان ناشنوا موفق به پاسخگویی صحیح تکالیف مربوطه شدند. این نتایج نشان دهنده تأخیر رشد نظریه ذهن در کودکان ناشنواست.

از طرف دیگر یکی از متغیرهای مهم در ارتباط با کودکان ناشنوا، در رابطه با نظریه ذهن، وضعیت شنوایی والدین است. کودکان ناشنوا با والدین ناشنوا و کودکان ناشنوا با والدین شنوا در زمینه تجربه زبانی و علت ناشنوایی متفاوت هستند. کودکان ناشنوا با والدین ناشنوا از همان ابتدای تولد در معرض زبان اشاره قرار می‌گیرند و اکتساب این زبان با همان تقویم زمانی که کودکان شنوا، زبان گفتاری را کسب می‌کنند، صورت می‌گیرد. به‌طور آشکار کودکان ناشنوایی که از والدین شنوا متولد می‌شوند در کسب مهارت‌های ارتباطی تأخیر دارند و این امر بر روی توانایی کودک در توسعه و رشد نظام ارتباطی تأثیر منفی خواهد گذاشت. ولی آن دسته از کودکان ناشنوا که والدین ناشنوا دارند و زبان اشاره را می‌آموزند، می‌توانند تا حدودی مهارت‌های ارتباطی طبیعی را فراگیرند.

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این پژوهش از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادهای است که جامعه آماری آن همه دانش‌آموزان ناشنوا و شنوای ۹ تا ۱۱ ساله شهرستان تربت جام بود. نمونه آماری ۳۰ دانش‌آموز شنوای ۹ تا ۱۱ ساله که با روش تصادفی ساده انتخاب شدند و ۳۰ دانش‌آموز شنوای ۹ تا ۱۱ ساله بودند. برای انتخاب این گروه، ابتدا به روش تصادفی

دیگران مستلزم وجود سازوکاری خاص برای درک حالات روانی و پردازش اطلاعات محیطی است، کودکان ناشنوا به دلیل مشکل زبان و مشکلات ارتباطی از داشتن چنین ساز و کاری تا حدودی محروم هستند. پس رشد و توانایی نظریه ذهن در این کودکان فرایند بسیار کندی دارد و در مقایسه با کودکان شنوا، ناشنوایان در ارتباط با حالت‌های ذهنی و نظریه ذهن دستاورد واقعی ندارند. البته با توجه به اینکه روش پژوهش حاضر پس‌رویدادی بوده، می‌توان این احتمال را داد که زبان ممکن است نقش مهمی در رشد نظریه ذهن داشته باشد و تأیید آن جز با روش‌های پژوهش آزمایشی ممکن نیست.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که توانایی نظریه ذهن کودکان ناشنوا دارای والدی ناشنوا بیشتر از میانگین توانایی ذهن کودکان ناشنوا با والدین شنواست.

در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان گفت که کودکان ناشنوی دارای والد ناشنوا، در بسیاری از زمینه‌ها مانند تجربه زبانی و آموزش زبان اشاره با ناشنوایان دارای والد شنوا متفاوت هستند. زمانی که والدین یک کودک ناشنوا خود نیز ناشنوا باشند، کودک خود را از ابتدای تولد در معرض آموزش زبان اشاره قرار می‌دهند و اکتساب زبان در این کودکان، با همان تقویم زمانی که کودک شنوا زبان گفتاری را کسب می‌کنند، صورت می‌گیرد.

در واقع این کودکان اشاره کننده اولیه یا طبیعی هستند و هیچ تأخیری در اکتساب زبان نخواهد داشت. اما کودکان ناشنوایی که والدین ناشنوا دارند، معمولاً تا زمان تأخیر در اکتساب زبان شناسایی نمی‌شوند و همین امر موجب اختلال در روند ارتباطی آنان می‌گردد. این کودکان کمتر در معرض صحبت و ارتباط با خانواده قرار می‌گیرند و به همین ترتیب در مقایسه با همسالان ناشنوی خود که والدین ناشنوا دارند، از نظام ارتباطی محدودتری برخوردار خواهند بود.

دارد. با توجه به اینکه نظریه ذهن سازه‌ای رشدی است، تفاوت معنادار بین امتیازات پایه اول راهنمایی با پایه‌های پنجم و چهارم، بر روی این مقیاس دلالت می‌کند. عارفی (۱۳۸۶) پایایی بین مصححان (دونفر) را برابر با ۰/۸۱ و آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برابر با ۰/۷۰ گزارش کرده است.

مقیاس هوش عملی: برای سنجش هوش عملی در پژوهش حاضر از خرده مقیاس هوش عملی هوش آزمای و کسلر دانش‌آموزان (شهیم، ۱۳۷۳) استفاده شد.

پس از مراجعه به مرکز ناشنوایان شهرستان تربت جام و انتخاب گروه نمونه، پرسشنامه نظریه ذهن و مقیاس هوش عملی، اجرا شد. در این مرحله با کمک معلم ویژه ناشنوایان شیوه نامه نحوه پاسخگویی به پرسش‌های پرسشنامه (داستان‌ها) برای دانش‌آموزان شرح داده شد و سپس ابهامات احتمالی برای دانش‌آموزان رفع گردید. در ادامه چند مدرسه ابتدایی و راهنمایی عادی (دخترانه و پسرانه) انتخاب و از میان دانش‌آموزان این مدارس پس از هم‌تاسازی گروه نمونه کودکان عادی انتخاب و پرسشنامه نظریه ذهن و هوش عملی بر روی آنها اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از روش آماری میانگین، انحراف معیار تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در مجموع یافته‌های پژوهش نشان داد که بین نظریه ذهن در کودکان ناشنوا و شنوای ۹ تا ۱۱ ساله تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که نظریه ذهن کودکان شنوا بیشتر از کودکان ناشنواست.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعاملات اجتماعی مستلزم درک انسان‌ها از حالات ذهنی است که به رفتار مشاهده شده نسبت داده می‌شود. توانایی نسبت دادن حالات ذهنی به رفتار مشاهده شده، توانایی نظریه ذهن خوانده می‌شود که باعث فهم و پیش‌بینی رفتار در تعاملات اجتماعی می‌گردد. همچنین از آنجا که رشد نظریه ذهن و توانایی فرد برای پیش‌بینی رفتار